

ارائه مدل علی راهبرد مقابله معنوی در بحران، مذهبی بودن والدین و دلبستگی ادراک شده دوران کودکی

فاطمه شهابی زاده^۱

سید عبدالمجید بحرینیان

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی مدل‌های دلبستگی دوران کودکی به عنوان میانجی گر میزان مذهبی بودن هر والد و مقابله معنوی می‌باشد. ۸۷۰ دانشجو به صورت خوشه‌ای چند مرحله‌ای از بین دانشگاه‌های تهران مقیاس‌های ادراک دلبستگی دوران کودکی (هزن و شاور، ۱۹۸۶)، میزان مذهبی بودن والد (گرنکوئیست، ۱۹۹۸) و مقابله معنوی (R-cope؛ پارگامنت و همکاران، ۲۰۰۰)، را تکمیل نمودند، جهت تحلیل نتایج از روش مدلیابی معادلات ساختاری بهره گرفته شد. نتایج نشان داد نالیمنی به پدر و مادر ارتباط بین میزان مذهبی بودن والد و مقابله معنوی مثبت و منفی را میانجی‌گری می‌کند. همچنین میزان مذهبی بودن پدر اثر مستقیم و غیر مستقیمی (از طریق ایمن به پدر) بر مقابله مذهبی مثبت و همچنین میزان مذهبی بودن مادر اثر مستقیمی بر مقابله معنوی منفی دارد، ولی دلبستگی ایمن به مادر نقش مستقیمی در پیش بینی مقابله معنوی نشان نداد. لذا نه تنها بررسی نقش میزان مذهبی بودن والدین در فهم استفاده از راهبردهای مذهبی فرد مهم می‌باشد، بلکه تاریخچه دلبستگی در این ارتباط نقش مهمی ایفا می‌کند.

واژگان کلیدی:

میزان مذهبی بودن والد، ادراک دلبستگی دوران کودکی، مقابله معنوی مثبت

و منفی

۱- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند، خراسان جنوبی، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: f_shahabizadeh@yahoo.com

مقدمه

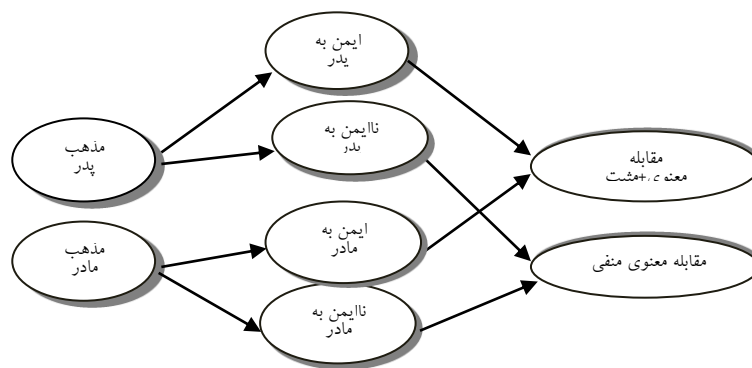
مقابله فرایند پویای پاسخ‌های شناختی و رفتاری جهت کاهش و یا حل بحران روانشناختی است (دابو^۱ و همکاران، ۲۰۰۰) و مذهب نیز به عنوان سیستم مدیریتی نقش مهمی بر نحوه تفسیر حوادث دارد (لاونتال^۲، ۲۰۰۱؛ به نقل از راجرز^۳ و لوونتال، ۲۰۰۳)، لذا مذهب در ماهیت شناختی نوعی مقابله معنوی می‌باشد و نقش جدایی‌ناپذیری در مقابله افراد با حوادث استرس‌زا ایفا می‌کند. به بیان دیگر مقابله معنوی منبع درونی جستجوی معنا در زمان استرس است که منجر به رشد صمیمیت با خدا و دریافت مفهوم زندگی و کسب آرامش می‌شود (پارگامنت^۴، ۱۹۹۵؛ به نقل از کالمن^۵، ۲۰۰۶). روش‌های مقابله معنوی با توجه به اصول مذهبی می‌تواند هم بی‌اثر شامل ارزیابی منفی از خدا به عنوان تنبیه‌کننده، خشم و شک و تردید در مورد قدرت خدا و ... باشد (پارگامنت و همکاران، ۲۰۰۰) و هم مؤثر شامل به چالش کشیدن تبیین‌های علوم طبیعی، یافتن معنا و درک حوادث در مواجهه با بحران و تعریف مجدد عوامل استرس‌زا به عنوان فرصتی برای رشد معنویت باشد (پارگامنت، ۲۰۰۷؛ به نقل از کینگ و روسر^۶، ۲۰۰۹)، لذا می‌توان گفت حوادث زندگی کاتالیزور و افزایش‌دهنده رشد مذهب است و مقابله با آن به رشد معنویت کمک می‌کند (کینگ و روسر، ۲۰۰۹ و یسلدیک^۷، ۲۰۰۹).

ارتباط بین راهبردهای مقابله معنوی و عقاید دلبستگی در حاشیه قرار گرفته است (کرسینی^۸، ۲۰۰۹). پارگامنت (۱۹۹۷؛ به نقل از گرنگویست^۹، ۲۰۰۵) بیان کرد مقابله مذهبی به عنوان دسترس‌پذیری قریب‌الوقوع مذهب در سیستم توجیهی افراد می‌باشد. اما این سؤال وجود دارد چرا برای بعضی افراد، مذهب در دسترس و برای بعضی در دسترس نیست؟ محدودیت تئوری مقابله مذهبی ناتوانی آن برای توضیح اساس تفاوت‌های فردی در مقابله با استرس است. اما تئوری دلبستگی تبیین

تکمیلی مهمی فراهم می‌کند که چرا خدا به عنوان کمک کننده در بحران دریافت می‌شود و می‌تواند چراغ روشنی برای چراهای تئوری مقابله مذهبی باشد (گرنکوئیست، ۲۰۰۵)، به عبارتی تفاوت‌های سبک‌های دلبستگی می‌تواند نوع مقابله معنوی فرد را توجیه می‌کند (گرنکوئیست، ۲۰۰۲). لذا پویایی‌های دوران کودکی پیش بینی کننده ارتباط فرد با خداست (گرنکوئیست و همکاران، ۲۰۰۷؛ هال^۱، ۲۰۰۴؛ به نقل از السون^{۱۱}، ۲۰۰۹). در طول دو دهه پیش در چندین مطالعه (از جمله شهیدی و همکاران، ۲۰۱۰؛ بیرجگارد^{۱۲} و گرنکوئیست، ۲۰۰۴؛ و شهابی زاده و همکاران، ۲۰۰۸) در ارتباط بین دلبستگی و مذهب، فرضیه انطباقی و یا جامعه پذیری مطرح شده است. فرضیه انطباقی^{۱۳} کرک پاتریک^{۱۴} (۱۹۹۷) بیان می‌کند تفاوت‌های تاریخیچه دلبستگی با تفاوت‌های فردی در عقاید مذهبی فرد هماهنگ می‌باشد. در این راستا استرحان^{۱۵} (۱۹۹۱)، به نقل از کرک پاتریک، (۱۹۹۹) و کرک پاتریک (۱۹۹۷) نشان دادند، ناایمنی و ایمنی^{۱۶} به والد به ترتیب با تصور خدای تنبیه کننده و مهربان تداعی می‌شود. به هر حال زمانی که شخص درمانده است، وی همان ارتباطی را با خدا دارد که در طول دوران کودکی با والد خود داشته است (پرسینگر^{۱۷}، ۱۹۹۸؛ به نقل از کرک پاتریک، ۱۹۹۹). مطالعاتی از جمله مور^{۱۸} (۲۰۰۵)، کرسینی (۲۰۰۹)، کیستر^{۱۹} (۲۰۱۰) و اسچاتنبائر^{۲۰} و همکاران (۲۰۰۶) نیز در راستای حمایت فرضیه انطباقی رابطه بین دلبستگی ایمن بزرگسال و مقابله معنوی مثبت را نشان دادند، (در پژوهش حاضر نقش دلبستگی دوران کودکی به والد بررسی شد). اما بیکر^{۲۱} (۲۰۰۶) رابطه‌ای بین سبک‌های دلبستگی و مقابله معنوی به دست نیاورد. به هر حال به دلیل اینکه فرضیه انطباقی توضیح نمی‌داد چرا بسیاری از افراد ایمن تحت تأثیر سطوح بالای مذهبی بودن والدشان مذهبی می‌شوند، فرضیه انطباقی جامعه‌پذیری^{۲۲} (تجدیدنظر شده) توسط گرنکوئیست و هیجکول (۱۹۹۹) مطرح شد

که بیان می‌کند مذهبی بودن فرد دلبسته ایمن با میزان مذهبی بودن والد همخوان می‌باشد و کودک در شرایط دلبستگی ایمن، ارزش‌های مذهبی والد را فرا گرفته و درونی می‌کند. در این راستا مطالعه کلارک^{۲۳} و همکاران (۱۹۸۸)؛ به نقل از دی روس^{۲۴} و همکاران، (۲۰۰۳) و دی روس و همکاران (۲۰۰۱) نیز نشان داد مفاهیم خدای والد پیش بینی کننده مفاهیم خدای فرزند می‌باشد. بنابراین تعامل نقش مذهب والد و دلبستگی به والد در شکل‌گیری مذهبی بودن فرد مهم می‌باشد. آبار^{۲۵} و همکاران (۲۰۰۹) و سیزلو^{۲۶} (۲۰۰۷) نشان دادند فرزند پروری رابطه بین مذهب فرزند و والد را تعدیل می‌کند. ریان^{۲۷} و همکاران (۲۰۰۳)؛ به نقل از تمپلتون و اکلس^{۲۸}، (۲۰۰۵) و اسمیت^{۲۹} (۲۰۰۳)؛ به نقل از کینگ و روسر، (۲۰۰۹) و شهابی زاده و همکاران (۱۳۸۵) نیز یافتند نوجوانانی که مذهب والد را پذیرفته‌اند، دلبستگی ایمنی به والد گزارش دادند، البته در مطالعات مذکور مقابله معنوی بررسی نشده بود. اما مطالعه کالمن (۲۰۰۶) بر خلاف نتایج مطالعات مذکور، فرضیه جامعه‌پذیری را حمایت نکرد. افزون بر این گرنکوویست (۲۰۰۵) نیز بر خلاف فرایند انطباق جامعه‌پذیری نشان داد افراد دلبسته ناایمن بیشتر از مقابله مذهبی استفاده می‌کنند (البته در شرایطی که میزان مذهبی بودن والد در سطح بالایی باشد)، البته در این مطالعه نوع مقابله مذهبی مثبت و منفی و تمیز بین میزان مذهبی بودن پدر و مادر بررسی نشده بود. لذا مطالعه حاضر با روش مدل یابی معادلات ساختاری و بررسی نقش میانجی‌گر تاریخچه دلبستگی در پیش‌بینی مقابله معنوی با توجه به میزان مذهبی بودن والد در جهت تبیین نمودن تناقض مطالعات گذشته و اهمیت فرضیه انطباقی و جامعه‌پذیری انجام شد. در پژوهش حاضر به جای بررسی میزان مذهبی بودن فرد که اگر حالت روتین پیدا کند تأثیر معکوس خواهد داشت، مقابله مذهبی که فرایندی شناختی و پویاست مورد مطالعه قرار گرفت. بنابراین با توجه به نتایج

چالش انگیز و متناقض، پژوهشگر بر آن شد تأثیر همزمان دو عامل سطوح مذهبی والد و دلبستگی ادراک شده دوران کودکی را در تبیین مدل مفهومی مقابله معنوی بررسی کند. در مجموع با در نظر گرفتن مبانی نظری و پژوهش‌های مذکور مدلی مفهومی همچون شکل ۱ می‌توان تدوین و مورد آزمون قرار داد و بررسی نمود آیا ارزش‌های مذهبی والد به طور مستقیم و یا با واسطه‌گری کیفیت خاطرات دلبستگی در مواجهه مذهبی فرد با بحران مؤثر است.



شکل ۱. مدل مفهومی مقابله معنوی، مذهبی بودن والد و تاریخچه دلبستگی

همانطور که شکل ۱ نشان می‌دهد فرض شد طبق الگوی انطباقی کیفیت دلبستگی دوران کودکی پیش‌بینی‌کننده مقابله معنوی و طبق فرایند جامعه‌پذیری، سطوح مذهبی بودن والد از طریق کیفیت دلبستگی دوران کودکی پیش‌بینی‌کننده مقابله معنوی است.

روش

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش: طرح پژوهش حاضر از نوع همبستگی و غیر آزمایشی است که در آن از روش مدلیابی معادلات ساختاری بهره گرفته شده است و جهت بررسی مقیاس‌ها نیز از تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی استفاده شد. جامعه آماری، کلیه دانشجویان مجرد دوره کارشناسی دانشگاه‌های تهران در سال ۱۳۸۹ است که بر پایه پیشنهاد جیمز استیونس^{۳۰} در نظر گرفتن ۱۵ مورد برای هر متغیر پیش بین در تحلیل رگرسیون چند گانه مناسب می‌باشد (هومن، ۱۳۸۴). لذا حجم نمونه ۸۷۰ نفری به صورت نمونه گیری چند مرحله‌ای در ۴ دانشگاه و به صورت تصادفی در چند دانشکده و چند کلاس انتخاب و پرسشنامه‌ها در بین دانشجویان داوطلب هر کلاس توزیع شد، به هر شرکت کننده هدیه‌ای نیز تحویل داده شد. نمونه دانشجویان شامل ۶۱۷ مرد و ۲۵۳ دانشجوی زن با میانگین سنی ۲۰/۷۱ سال شرکت داشتند.

ابزار سنجش

مقیاس میزان مذهبی بودن والدین^{۳۱}: آزمون گرنکوئیست (۱۹۹۸) میزان مذهبی بودن والد را در طول دوران کودکی بر اساس ۸ آیت (مقیاس ۷ درجه‌ای) برای هر والد ارزیابی می‌کند. ضرایب همبستگی کروبناک^{۳۲} برای هر والد در ۸ آیت ۰/۹۲ به دست آمد. در پژوهش شهابی زاده و همکاران (۱۳۸۵) به منظور محاسبه همسانی درونی، این آزمون بر روی ۲۰ نفر از دانشجویان دانشکده ادبیات دانشگاه شهید بهشتی اجرا شد. همسانی درونی برای پدر و مادر در ۸ آیت به ترتیب ۰/۹۴ و ۰/۸۹ به دست آمد. ضریب همبستگی پیرسون نیز برای محاسبه میزان همبستگی بین نمرات دو بار اجرای آزمون برای پدر و مادر به ترتیب ۰/۹۰ و ۰/۸۵ شد. در

مطالعه حاضر ضرایب آلفای کرونباخ برای میزان مذهبی بودن پدر و مادر به ترتیب ۰/۹۳ و ۰/۸۹ به دست آمد که حاکی از پایایی بالای مقیاس می‌باشد. تحلیل مؤلفه‌های اصلی^{۳۳} با چرخش ابلیمین^{۳۴} نیز ساختار ساده ۲ عاملی را نشان داد که عامل میزان مذهبی بودن پدر و مادر به ترتیب ۵۲/۴۵ درصد و ۱۳/۲۷ درصد از کل واریانس میزان مذهبی بودن والد را تبیین می‌کند. نتایج مجذور کای غیر معنادار شد و دیگر شاخص‌های برازندگی مقایسه (CFI)، شاخص برازندگی نرمال (NFI)، شاخص برازندگی مقایسه (GFI)، شاخص برازندگی (IFI) و شاخص برازندگی نرمال نشده (NNFI) نیز به ترتیب ۱، ۰/۹۹، ۰/۹۸، ۱ و ۰/۹۹ بدست آمد که بیان کننده برازندگی قابل قبول مدل با داده‌ها و برخورداری از روایی سازه است.

مقیاس دلبستگی به هر والد^{۳۵}: آزمون هزن و شیور^{۳۶} (۱۹۸۶) شامل ۶ بند (۳ گزاره برای هر والد) است که روابط دوران کودکی را برای هر یک از سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابگر و دوسوگرا توصیف می‌کند. در مطالعه حاضر جهت غلبه بر محدودیت‌های سنجش تک آیتمی، جملات هر بند به صورت ۱۲ گویه جداگانه برای هر والد مطرح شد. در پژوهش حاضر ضرایب آلفای کرونباخ به ترتیب برای دلبستگی ناایمن و ایمن به مادر و پدر ۰/۷۷ و ۰/۸۶ و همچنین ۰/۸۸ و ۰/۹ به دست آمد که حاکی از پایایی مقیاس می‌باشد. تحلیل مؤلفه‌های اصلی با چرخش ابلیمین در هر دو مقیاس والد، ساختار ساده ۲ عاملی ایمن و ناایمن را نشان داد که به ترتیب ۵۷/۹۱ درصد و ۶۸/۱۳ درصد از واریانس دلبستگی به مادر و پدر را تبیین می‌نمود. نتایج شاخص مجذور کای تحلیل عاملی تأییدی نیز در هر دو مقیاس معنادار شد و دیگر شاخص‌های برازندگی CFI، NFI، GFI، IFI، NNFI و AGFI نیز در هر دو مقیاس بیش از ۰/۹۷ بدست آمد.

مقیاس مقابله معنوی^{۳۷}: (پارگامنت و همکاران، ۲۰۰۰): مقابله معنوی مثبت (۳۰) ماده ۵ درجه‌ای از هرگز تا همیشه) شامل ارزیابی خیرخواهانه مذهب، راهبرد تشریک مساعی و ... می‌باشد. مقابله معنوی منفی ۱۸ ماده‌ای نیز شامل ارزیابی خدای تنبیه کننده و شک و تردید نسبت به قدرت و ویژگی‌های خداوند است و می‌باشد، ضرایب آلفای کرونباخ مقابله معنوی مثبت و منفی به ترتیب ۰/۹۰ و ۰/۸۷ به دست آمد. در مطالعه حاضر نیز ضرایب آلفای کرونباخ مقابله معنوی مثبت و منفی به ترتیب ۰/۹۵ و ۰/۹۳ شد که حاکی از اعتبار مقیاس است. تحلیل مؤلفه‌های اصلی با چرخش ابلیمین ساختار ساده ۲ عاملی را نشان داد که عامل‌های مقابله معنوی مثبت و منفی به ترتیب ۳۹/۵۲ درصد و ۱۱/۱۳ درصد مقابله معنوی را تبیین می‌نمود. شاخص‌های برازندگی تطبیقی، شاخص برازندگی نرمال، شاخص برازندگی افزایشی و شاخص برازندگی تعدیل شده نیز به ترتیب، ۰/۹۶، ۰/۹۱، ۰/۹۶ و ۰/۹۲ شد، که حاکی از برازش مناسب ساختار ۲ عاملی می‌باشد.

یافته‌ها

به منظور تبیین مقابله معنوی مفروضه‌های معادلات ساختاری در مدل مورد مطالعه بررسی شد. طبق گفته هومن (۱۳۸۴) اگر تعداد طبقه‌های رتبه‌ای ۵ یا بیشتر باشد، می‌توان با آنها (البته با کمی خطا) مانند داده‌های فاصله‌ای رفتار کرد. البته جهت اطمینان مبنی بر عدم کشیدگی شدید داده‌ها، روش سرند کردن داده‌ها نشان داد توزیع متغیرها نزدیک به نرمال است. افزون بر این اگر چه یکسان نبودن پراکندگی رگرسیون‌های چند متغیری مدل‌های لیزرل را ناروا نمی‌سازد، بلکه آنها را ضعیف می‌کند (پدهازر، ۱۹۸۲؛ به نقل از هومن، ۱۳۸۴)، زیرا روش‌های رگرسیون‌های چند متغیری از جمله بیشینه احتمال، نسبت به تخطی از نرمال بودن

توزیع جمله‌های خطا مقاوم می‌باشد (هومن، ۱۳۸۴). از طرفی با توجه به اینکه حجم نمونه مطالعه حاضر تا حدی بزرگ می‌باشد می‌توان به برقراری این مفروضه اطمینان کرد. مفروضه دیگر فقدان هم خطی چند گانه متغیرهای برونزا است، بنابر نظر بسیاری از صاحب نظران (از جمله آشر^{۳۸}، ۱۹۸۳؛ نقل از هومن، ۱۳۸۴) همبستگی‌های بالاتر از ۰/۸ بین متغیرها نشان دهنده هم خطی بودن چند گانه است. نتایج ضرایب همبستگی بین متغیرهای مورد مطالعه در جدول ۱ رابطه متوسط یا پائینی را نشان می‌دهد که بیانگر تأیید مفروضه مذکور است.

جدول ۱- ماتریس همبستگی بین متغیرهای مذهبی بودن والد، دلبستگی دوران کودکی و مقابله معنوی

متغیر	میزان مذهب		دلبستگی به مادر		دلبستگی به پدر		مقابله معنوی	
	مادر	پدر	ایمن	ناایمن	ایمن	ناایمن	مثبت	منفی
مادر	۱							
پدر	***۰/۵۹	۱						
ایمن	***۰/۲۰	***۰/۱۵	۱					
ناایمن	***۰/۲۲	***۰/۱۳	***۰/۵۶	۱				
ایمن	۰/۰۷	***۰/۱۹	***۰/۳۵	***۰/۲۵	۱			
ناایمن	***۰/۰۹	***۰/۱۷	***۰/۲۷	***۰/۴۹	***۰/۰۷	۱		
مقابله مثبت	***۰/۲۱	***۰/۲۲	***۰/۱۳	***۰/۱۸	***۰/۱۹	***۰/۲۲	۱	
مقابله منفی	***۰/۰۲	***۰/۱۹	***۰/۱۳	***۰/۱۹	***۰/۱۹	***۰/۲۳	***۰/۵۵	۱
میانگین	۴/۵۳	۴/۱	۵/۶۶	۲/۱۰	۵/۰۷	۲/۷	۳/۵	۲/۱۴
انحراف استاندارد	۱/۱۹	۱/۴۲	۱/۴۰	۱/۰۷	۱/۵۷	۱/۳۷	۰/۸	۰/۸۵

* معناداری در سطح ۰/۰۵ ** معناداری در سطح ۰/۰۱

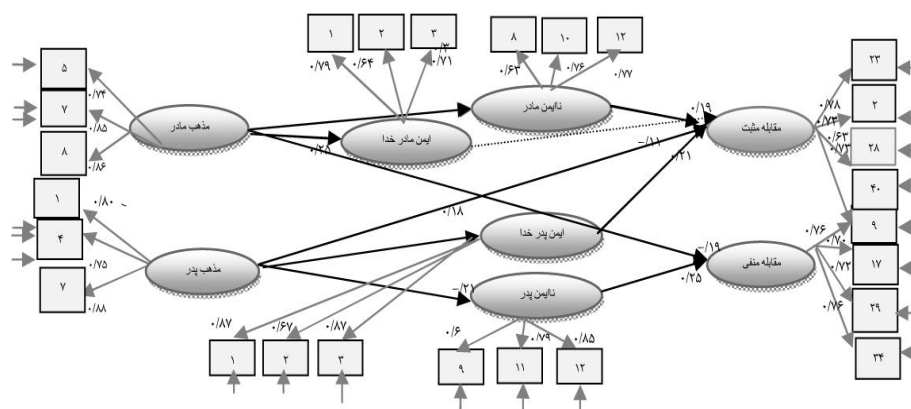
قابل ذکر است پس از مقایسه گویه‌های عامل بندی شده بر پایه تحلیل عاملی، برای هر عامل تعداد ۴ و یا ۳ گویه که دارای بیشترین بار عاملی بود به عنوان نشانگر در نظر گرفته شد. به هر حال در مرحله اول: نقش متغیر برون زای میزان مذهبی بودن والد و متغیر میانجی گر تاریخچه دلبستگی بر مقابله معنوی بررسی شد. مرحله دوم: جهت تبیین نقش میانجی گر، نخست باید مطمئن بود که رابطه مستقیم بین دو متغیر پیش بین و ملاک از لحاظ آماری معنادار است لذا در مدلی جداگانه نقش مستقیم متغیر برون‌زا (مذهب والد) را بدون حضور متغیر میانجی گر بررسی شد. چنانکه مسیری که در مدل مذکور معنادار است اما در مدل مرحله اول با حضور متغیر سوم معناداری خود را از دست بدهد، متغیر پیش بین دوم حکم میانجی گر دارد (بارون و کنی^{۳۹} ۱۹۸۶ به نقل از توکار^{۴۰} و همکاران، ۲۰۰۳).

نمودار مسیر مربوط به مدل میانجی‌گری دلبستگی دوران کودکی در شکل ۲ و شاخص‌های برازش آن در جدول ۲ نشان داد مقدار مجذور کای در سطح ۰/۰۱ ($p=0/035$) غیر معنادار است که نشان دهنده برازش مناسب مدل می‌باشد. نسبت مجذور کای (۳۱۹) به درجه آزادی (۲۷۵) نیز ۱/۱ به دست آمد که مطابق با ملاک‌های پیشنهادی بایرن^{۴۱} (۱۹۸۹، به نقل از هومن، ۱۳۸۴) عدد کمتر از ۲ را نشان داد. افزون بر این ریشه دوم واریانس خطای تقریب^{۴۲} RMSEA نیز ۰/۰۱۸ و کمتر از ۰/۰۵ شد (هیو و بنتلر^{۴۳}، ۱۹۹۹؛ به نقل از هومن، ۱۳۸۴) که برازش مناسب مدل را نشان می‌دهد و می‌توان نتیجه گرفت درجه تقریب مدل در جامعه بزرگ نیست (براون و کادک؛ به نقل از هومن، ۱۳۸۴). شاخص روایی متقاطع^{۴۴} ECVI نیز ۰/۹۶ و کمتر از مقدار مدل اشباع شده (۱/۴۳) بوده و در فاصله اطمینان قرار گرفت که بیانگر تقریب معقولی در جامعه است (جورسکاگ و سوربوم^{۴۵}، ۱۹۸۴؛ به نقل از هومن، ۱۳۸۴). شاخص‌های CFI، IFI، GFI، AGFI نیز چون بیش از ۰/۹ به دست آمد

(بتنلر و بونت^{۴۶}؛ ۱۹۸۰؛ به نقل از هومن، ۱۳۸۴) می‌توان استنباط نمود مدل با داده‌ها برازش خوبی دارد. علاوه بر این مقدار مجذور همبستگی چندگانه برای مقابله معنوی مثبت و منفی به ترتیب ۱۳ و ۱۱ درصد بدست آمد که می‌تواند واریانس مقابله معنوی را تبیین کند.

جدول ۲ - شاخص‌های برازش مدل تبیین مقابله معنوی

ECVI	RMSEA	IFI	AGFI	CFI	NNFI	NFI	GFI
(۰/۸۸ و ۱/۰۶)	(۰/۰۰۵۳ و ۰/۰۲۶)						
۰/۹۶	۰/۰۱۸	۰/۹۹	۰/۹۴	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۹۵	۰/۹۵



شکل ۲- ضرایب استاندارد شده مسیرهای مدل مقابله معنوی در ارتباط با میزان مذهبی

بودن والد و ادراک دلبستگی به والد

همانطور که شکل ۲ نشان می‌دهد مسیر سطوح مذهب مادر با سبک ایمن و ناایمن به مادر به ترتیب ۰/۲۵ و $\beta = -0/3$ ، $P < 0/001$ و مسیر سطوح مذهب پدر

با سبک ایمن و نایمن به پدر به ترتیب $\beta = 0/21$ و $\beta = 0/18$ ، $P < 0/001$ ، $\beta = -0/41$ ، به دست آمد. همچنین ضریب مسیر نایمن به پدر با مقابله معنوی منفی $\beta = 0/25$ ، $P < 0/001$ و مسیر ایمنی به پدر و نایمنی به مادر با مقابله معنوی منفی به ترتیب $\beta = 0/19$ و $\beta = -0/41$ ، $P < 0/001$ ، به دست آمد. به هر حال شکل ۲ نشان می‌دهد سطوح مذهب مادر کاهش دهنده مستقیم استفاده از مقابله معنوی منفی در بحران $\beta = -0/19$ ، $P < 0/001$ و افزایش دهنده غیر مستقیم (از طریق کاهش نایمنی به مادر) مقابله معنوی مثبت می‌باشد. از طرفی سطوح مذهبی پدر نیز افزایش دهنده مستقیم $\beta = 0/21$ ، $P < 0/001$ و غیر مستقیم (از طریق ایمنی به پدر) مقابله معنوی مثبت و کاهش دهنده غیر مستقیم (از طریق کاهش نایمنی به پدر) استفاده از مقابله معنوی منفی است.

به منظور درک روشن تر نقش میانجی‌گری دلبستگی به والد، طبق نظر بارون و کنی (۱۹۸۶؛ نقل از توکار و دیگران، ۲۰۰۳)، مدل جداگانه‌ای نقش مستقیم مذهبی بودن والد را بر مقابله معنوی بدون حضور متغیر میانجی‌گر ادراک دلبستگی دوران کودکی بررسی نمود، که شاخص‌های برازندگی تطبیقی و برازندگی نرمال به ترتیب برابر $0/99$ و $0/97$ و ریشه دوم واریانس خطای تقریب نیز برابر $0/32$ (فاصله اطمینان $0/47$ ؛ $0/17$) به دست آمد، شاخص روایی متقاطع نیز برابر $0/2$ و در فاصله اطمینان ($0/24$ ؛ $0/17$) قرار گرفت، افزون بر این مقدار مجذور کای در سطح $0/05$ غیر معنادار شد که بیانگر برازش مناسب مدل است. طبق نتایج ضرایب استاندارد شده مدل مستقیم، مسیر ادراک سطوح مذهبی مادر بر مقابله معنوی مثبت و منفی به ترتیب $-0/25$ و $0/17$ ، $P < 0/001$ معنادار شد و همچنین مسیر ادراک سطوح مذهبی پدر بر مقابله معنوی مثبت و منفی نیز به ترتیب $-0/1$ و $0/14$ ، $P < 0/001$ معنادار شد. اما در مدل میانجی‌گری (شکل ۱)

با حضور دلبستگی ناایمن، مسیر مذهب والد و مقابله معنوی غیر معنادار می‌شود. لذا ناایمنی به والد میانجی‌گر رابطه بین سطوح مذهبی والد و مقابله معنوی می‌باشد. جدول-۳ نیز اثرات مستقیم و غیر مستقیم و نقش میانجی‌گر دلبستگی به والد در نقش میزان مذهبی بودن را بر مقابله معنوی نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود مذهب پدر بیشترین سهم را در پیش بینی مقابله مثبت و مذهب مادر نیز بیشترین سهم را در پیش بینی مقابله منفی دارد.

جدول ۳ - برآورد ضرایب استاندارد شده اثرات مستقیم و غیر مستقیم مدل مقابله معنوی (با

تاریخچه دلبستگی)

مسیر از میزان مذهبی بودن والد				مدل اثرات غیر مستقیم میزان مذهبی بودن والد (با واسطه دلبستگی به والد) بر مقابله معنوی	
				اثبات	اثبات منفی
میزان مذهبی بودن مادر				۰/۰۳	(-۰/۱۹)
میزان مذهبی بودن پدر				(۰/۲۱)۰/۰۳	-۰/۰۵

لازم به ذکر است مقدار مجذور همبستگی چندگانه در مدل اثرات مستقیم میزان مذهبی بودن والد بر مقابله مثبت و منفی به ترتیب ۷/۸ و ۶/۱ درصد بدست آمد که نسبت به درصد تبیین مدل میانجی‌گری کمتر می‌باشد و نشان دهنده اهمیت نقش تاریخچه دلبستگی است.

بحث

در مدل حاضر میزان مذهبی بودن هر والد نقش معناداری بر سبک‌های دلبستگی ایمن و ناایمن به همان والد نشان داد که همخوان با مطالعه وادسورس^{۴۷}

(۲۰۰۷) است. البته در مطالعه حاضر اثر میزان مذهبی بودن مادر در پیش بینی کیفیت ارتباط والد کودک بیشتر از پدر بدست آمد. به نظر می‌رسد مذهب با ایجاد دیدگاه مقدس و متمایزی نسبت به عوامل دیگر نقش مهم و قوی در شکل دهی فرایندهای اجتماعی روانشناختی ایفا می‌کند (دوریز^{۴۸} و همکاران، ۲۰۰۴). لذا سطوح پایین مذهب والد، باعث ارزش قائل نشدن و مقدس نشمردن ارتباط عاطفی با فرزند می‌شود (ماهانی^{۴۹} و همکاران، ۲۰۰۱)، که ممکن است مانع تلاش در جهت رفتارهای دلبستگی از جمله دسترس پذیری، حساس بودن و پاسخگو بودن نسبت به فرزند شود و دلبستگی ناایمن شکل بگیرد. به هر حال احتمالاً شیوه تربیت اسلامی به گونه‌ای است که ایجاد سبک دلبستگی ایمن را در کودکان تسهیل می‌کند.

نتایج مدل حاضر همچنین نشان داد بین دلبستگی ایمن به مادر و مقابله معنوی مسیر معناداری وجود ندارد، لذا ایمنی به مادر در مواجهه با شرایط بحرانی تعیین کننده استفاده از مقابله معنوی نمی‌باشد. اما دلبستگی ایمن به پدر و ناایمنی به مادر در پیش بینی مقابله معنوی مثبت و ناایمنی به پدر در پیش بینی مقابله معنوی منفی معنادار شد که تأیید کننده فرضیه انطباقی است. مطالعاتی از جمله کرسینی (۲۰۰۹)، کیستر (۲۰۱۰) و بیکر (۲۰۰۶) نیز همخوان با مطالعه حاضر نشان دادند دلبستگی بزرگسال پیش بینی کننده مقابله معنوی است. به نظر می‌رسد طبق فرایند انطباق بعضی افراد دلبسته ناایمن به دلیل ترس از شکست در جستجوی مجاورت با والد، از دریافت هرگونه حمایتی اجتناب می‌کنند (میکولینسر و همکاران، ۲۰۰۳)، لذا احتمالاً در مواجهه با بحران نیز به خدا اعتماد نمی‌کنند و در نتیجه نقش مذهب را به دلیل تمایل به اجتناب از اعتماد به خدا کم‌رنگ کرده و بیشتر از مقابله معنوی منفی استفاده می‌کنند. افزون بر این احتمالاً بعضی دیگر نیز به دلیل

ادراک تهدید علیه خود و تجربه بالای اضطراب (میکولینسر و همکاران، ۲۰۰۳) طبق فرایند انطباق، دچار شک و تردید نسبت به خدا شده و اضطراب و ترس از رها شدن از طرف خدا را در بحران تجربه می کنند و در نتیجه بیشتر از مقابله معنوی منفی استفاده می کنند. اما فرد دلبسته ایمن با رشد مدل های روانی مثبت از خود و دیگران (بالی^۵، ۱۹۸۸؛ به نقل از مینر^{۵۱} و غباری، ۲۰۰۹)، بیشتر از مقابله معنوی مثبت استفاده می کند (بیکر، ۲۰۰۶). افزون بر این در مدل حاضر مسیر مستقیم میزان مذهبی بودن مادر با کاهش مقابله معنوی منفی و مسیر میزان مذهبی بودن پدر با افزایش مقابله معنوی مثبت معنادار شد که نشان دهنده اهمیت ارزش های مذهبی والد می باشد که این حالت به اهمیت جامعه پذیری مستقیم اشاره می کند. مطالعات متعددی نیز از جمله دی روس و همکاران (۲۰۰۱) و اسپیلکا و همکاران (۱۹۸۳)؛ به نقل از دی روس و همکاران، (۲۰۰۱) اهمیت نقش مذهب والد بر رشد مذهبی فرزند را نشان دادند. یعنی والد مذهبی با توجه به وقتی که صرف بحث و گفتگو در مورد موضوعات مذهبی می کند فرایند یادگیری مقابله معنوی تسهیل می شود. طبق فرضیه جامعه پذیری و مفاهیم تئوری شناختی اجتماعی باندورا، والد مذهبی در رشد مقابله معنوی می تواند مؤثر باشد (لازاروس^{۵۲} و فولکمن^{۵۳}؛ به نقل از کالمن، ۲۰۰۶). به بیان دیگر والدین مذهبی بیشتر در بحران ها از مقابله معنوی استفاده می کنند، بنابراین طبق جامعه پذیری مستقیم، عقاید و رفتارهای مذهبی والد، از طریق یادگیری مشاهده ای منتقل می شود (کینگ و روسر، ۲۰۰۹) و شکل گیری شناخت های مذهبی و مقابله معنوی در نوجوان تسهیل می شود.

البته لازم به ذکر است تنها با میانجی گری ناایمنی به والد، مسیرهای میزان مذهبی بودن والد و مقابله معنوی غیر معنادار می شود. به عبارت دیگر ناایمنی به مادر و پدر میانجی گر رابطه بین سطوح بالای مذهبی مادر و پدر و مقابله معنوی

مثبت و منفی می‌باشد، لذا افزایش سطوح مذهب والد تنها با واسطه کاهش نایمینی به والد، پیش بینی کننده مقابله معنوی است. بنابراین مدل‌های مقابله مذهبی کودک انعکاس عملکرد والد و میزان مذهبی بودن والد است که این رابطه نشان دهنده انطباق جامعه پذیری مذهبی (جامعه پذیری غیر مستقیم) است. کاگان^{۵۴} (۱۹۸۴)، به نقل از گرنکوویست و هیچکول، (۱۹۹۹) نیز ذکر کرد، عملکرد مهم دلبستگی این است که کودک را در مسیر انطباق با استانداردهای و ارزش‌های والدین هدایت می‌کند. در مجموع طبق فرایند انطباق به دلیل رشد پایه‌های اولیه اعتماد به والد، فرد راحت‌تر می‌تواند در مواجهه با مشکلات به پناهگاه مطمئن و پایه ایمنی خدا نیز اعتماد نموده و از مقابله معنوی مثبت استفاده کند. به هر حال مقابله معنوی تلاش فعال شخص جهت یافتن پناهگاه مطمئن در مواجهه با تهدید و پایه ایمنی چالش با موقعیت‌ها است (پارگامنت و همکاران، ۱۹۹۸؛ به نقل از کوپر^{۵۵} و همکاران، ۲۰۰۹). بنابراین قابل انتظار است افراد ایمن از مقابله مذهبی مثبت به دو دلیل استفاده کنند: با توجه به فرضیه انطباقی مدل‌های اساسی درونی ایمن در مورد خود (مستحق مراقبت) و دیگران (دسترس پذیری) باعث تصور مثبت و ادراک پاسخگو بودن خدا در هنگام نیاز می‌شود، در نتیجه فرد به سمت خدا بر می‌گردد و از مقابله مذهبی مثبت استفاده می‌کند. همچنین با توجه به فرضیه انطباقی جامعه پذیر قابل انتظار است که افراد ایمن دارای والد مذهبی، ارزش‌های مذهبی والد را پذیرفته و در هنگام استرس از مقابله مذهبی مثبت استفاده کنند (گرنکوویست، ۲۰۰۵). به هر حال می‌توان گفت کارکردهای دلبستگی یعنی پناهگاه مطمئن دلبستگی به والد تسهیل کننده پذیرش ارزش‌های مذهبی والد و پایه ایمنی دلبستگی ایمن به والد مذهبی تسهیل کننده درک ارزش‌های مذهبی والد می‌باشد. از طرفی کنافو و اسچوارتز^{۵۶} (۲۰۰۴) بیان کردند دو مؤلفه پذیرش و درک

ارزش‌های والد نوعی جامعه پذیری هوشیارانه می‌باشد. لذا ایمنی به والد ایجاد کننده فرایند جامعه پذیری مذهبی هوشیارانه می‌باشد که با پذیرش و درک ارزش‌های مذهبی والد همراه است و چنین مذهبی شدنی فرایند مقابله معنوی درونی را تسهیل می‌کند. لذا در مجموع به نظر می‌رسد احتمالاً مقابله معنوی ناشی از فرایند جامعه پذیری هوشیارانه پایدارتر از جامعه پذیری مستقیم باشد که بایستی در آینده بررسی شود.

افزون بر این با توجه به نقش میانجی‌گری نایمنی به والد در رابطه بین سطوح مذهبی بودن والد و استفاده از مقابله معنوی منفی، می‌توان استنباط نمود طبق فرضیه انطباق کرک پاتریک (۱۹۹۷)، در افراد دلبسته نایمن به والد غیر مذهبی، عدم اعتماد و اجتناب از دریافت هر گونه حمایتی به خدا نیز تعمیم داده می‌شود (بک^{۵۷}، ۲۰۰۶)، لذا این افراد در جهت مسیر سطوح پایین ارزش‌های مذهبی والد حرکت می‌کنند و احتمال استفاده از مقابله معنوی منفی افزایش می‌یابد. از سوی دیگر برخی افراد دلبسته نایمن نیز بدلیل شک به پناهگاه مطررس از طرد شدن بدون درک و فهم و اکتشاف شناختی مسائل مذهبی به همان سطوح پایین ارزش‌های مذهبی والد بسنده می‌کنند و از مقابله معنوی منفی استفاده می‌کنند. در تبیین دیگر می‌توان استنباط نمود والد نایمن غیر مذهبی به دلیل عدم ارتباط ایمن با فرزند و دارا نبودن ارزش‌های مذهبی نمی‌تواند در مورد موضوعات مذهبی با فرزند بحث و گفتگو نموده و فعالیت‌های مذهبی معمولاً صورت نمی‌گیرد، لذا والد در انتقال ارزش‌های مذهبی ناتوان می‌باشد، بنابراین در شرایط بحرانی احتمال استفاده از ارزش‌های مذهبی کاهش و مقابله معنوی منفی افزایش می‌یابد. نکته قابل توجه این است که در شرایط نایمن بودن به والد، میزان مذهبی بودن والد نمی‌تواند به طور مستقیم مقابله معنوی منفی را کاهش دهد، بلکه با کاهش روابط

ناایمن، مقابله معنوی فرزند را موجب می‌شود. اما در شرایط ایمنی، مذهب والد به طور مستقیم مقابله معنوی مثبت را افزایش می‌دهد. به عبارتی می‌توان گفت تاریخچه دلبستگی ناایمن مانع یادگیری مشاهده‌ای ارزش‌های مذهبی والد می‌شود. در مجموع می‌توان گفت احتمالاً فرایند انطباق الگوهای روانی از والد و خدا، فرایند جامعه‌پذیری ارزش‌های مذهبی والد را تسهیل می‌کند. به هر حال آنچه غیر قابل اجتناب می‌باشد اهمیت نقش کارکرد خانواده و دلبستگی به خدا در ارتباط بین دلبستگی به والد و مقابله معنوی می‌باشد که پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی بررسی شود.

یافته‌های مذکور تحت تأثیر چند محدودیت می‌باشد، احتمالاً اساسی‌ترین محدودیت آن بهره‌گیری از طرح مقطعی است. برای تعیین جهتی که این روابط عمل می‌کند، طرح‌های طولی آزمون‌های بسیار دقیق‌تری از واسطه‌گری فراهم می‌آورند، لذا برای بررسی بیشتر اجرای مطالعه طولی لازم است. دومین محدودیت این است که پیامد الگوهای تعاملی تاریخچه دلبستگی، کارکرد خانواده (میکولینسر و همکاران، ۲۰۰۳)، لذا پیشنهاد می‌شود کارکرد خانواده نیز در این مدل بررسی شود. محدودیت دیگر محدود بودن نمونه پژوهش به دانشجویان است، لذا در تعمیم این یافته‌ها به دیگر گروه‌های سنی، قومی و پایه‌های تحصیلی باید احتیاط کرد. افزون بر این نکته قابل توجه این است که مقابله معنوی نماد کارکرد دلبستگی به خدا است (گرنکووست، ۲۰۰۵)، لذا بررسی دلبستگی به خدا در مطالعات آتی پیشنهاد می‌شود. البته آنچه قابل توجه است توجه به اهمیت رشد شناختی در شکل‌گیری مفاهیم خدا است (اسپیلکا^{۵۸} و همکاران، ۱۹۸۳؛ به نقل از دی روس و همکاران، ۲۰۰۱).

پی نوشت‌ها

- 1- Dubow, E. F.
- 2- Loewenthal, K. M.
- 3- Rogers, M. B.
- 4- Pargament, K.I.
- 5- Cullman, E. P.
- 6- king, P. E., & Roeser, R. W.
- 7- Ysseldyk, Renate L.
- 8- Corsini, K. C.
- 9- Granqvist, P.
- 10- Hall, l.
- 11- Olson, C.
- 12- Birgegard, A.
- 13- correspondence hypothesis
- 14- Kirkpatrick. L. A.
- 15- Strahan, B.
- 16- secure
- 17- Persinger, E.
- 18- Moor, Lori L.
- 19- Keister, J. A.
- 20- Schottenbauer, M. A.
- 21- Baker, J. K.
- 22- Socialized correspondence hypothesis
- 23- Clark, L.
- 24- De Roos, S.A.
- 25- Abar , B.
- 26- Sizelove, D.
- 27- Reuan, s.
- 28- Templeton, J.L., & Eccles, J.S.
- 29- Smith, S. D.
- 30- James Stevens
- 31- Measures of parental religiousness
- 32- Cronbach,s correlation analyses
- 33- principial components
- 34- oblimin
- 35- Scale of childhood attachment to each parent
- 36- Hazan, C., & Shaver, P.
- 37 religious coping
- 38- Asher, H. B.
- 39 Baron, B. & Kenny
- 40 Tokar, D. M.
- 41- Bayren
- 42- Root mean square error of approximation
- 43- Hu, L. T., & Bentler

- 44- Expected croos— validation index
- 45- Joreskog & Sorbom
- 46- Bentler, P., & Bonet, D.
- 47- Wadsworth L, R.
- 48-Duriez, B.
- 49- Mahoney, A.
- 50- Bowlby, J.
- 51- Miner, M.
- 52 - lozarus, R.
- 53 - Folkman, S.
- 54- Kagan
- 55- Cooper, L. B.
- 56- Knafo, A. & Schwartz, S. H.
- 57- Beck, R.
- 58- Spilka, B.

فهرست منابع

- شهابی زاده، فاطمه. شهیدی، شهریار. و مظاهری، محمد علی. (۱۳۸۵)، ادراک دلبستگی دوران کودکی و رابطه آن با دلبستگی به خدا در بزرگسالی. فصلنامه انجمن ایران روانشناسی (مجله علمی پژوهشی روانشناسی) سال دهم، شماره ۴، زمستان ۸۵ ص ۴۴۰-۴۲۲
- هومن، حیدرعلی (۱۳۸۴)، مدل یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم افزار لیزرل، انتشارات سمت.
- Abar, B., Cater, K. L. & Winsler, A. (2009). The Effects of maternal parenting style and religious commitment on self-regulation, academic achievement, and risk behavior Among African-American parochial college students, *Journal of Adolescence*, vol, 32. 259-273.
- Baker, J. K. (2006). The Impact of Attachment Style on Coping Strategies, Identity Development and The Perception of Social Support, A Dissertation to the University of Canterbury, Degree for Master of Arts in Psychology. <http://hdl.handle.net/10092/1366>.
- Beck, R. (2006). God as a secure base: attachment to God and theological exploration. *Journal of Psychology and Theology*, Vol. 34, No. 2, 125-132.
- Birgegard, A. & Granqvist, P. (2004). The correspondence between attachment to parents and God: Three experiments using subliminal separation cues. *Personality and Social Psychology Bulletin*, Thousand Oaks: Sep 2004. Vol. 30, NO. 9; pg. 11-22.
- Corsini, K. C. (2009). Examining the Relationship Between Religious Coping Strategies, Attachment Beliefs and Emotion Regulation in a Mixed Sample of College Students attending an Evangelical University in Central Virginia. A Dissertation to the Counseling

- Department, Degree Doctor of Philosophy Date, 3-2009.
<http://works.bepress.com/kevin>.
- Cooper, L. B., Bruce, A. J., Harman, M. J., & Boccaccini, M. T. (2009). Differentiated styles of attachment to God and varying religious coping efforts, *Journal of Psychology and Theology*. Jun 22.
- Cullman, E. P. (2006). Attachment to Parent and Peers as A Moderator of The Relation Between Parent/Peer Religious Coping and Adolescent Religious Coping. Ph.D; Graduate College of Bowling Green State University.
- De Roos, S.A., Iedema, J. & Miedem, A.S. (2003). Effects of Mothers' and Schools' Religious Denomination on Preschool Children's God Concepts, *Journal of Beliefs And Values*, Vol.24, No.2.
- De Roos, S.A., Iedema, J. & Miedem, A.S. (2001). Young children's descriptions of God: influences of parents' and teachers' God concepts and religious denomination of schools, *Journal of Beliefs & Values*, 22, pp.19-30.
- Duriez, B., Soenens, B. & Beyers, W. (2004). Personality, Identity Styles, and Religiosity: An Integrative Study Among Late Adolescents in Flanders (Belgium), *Journal of Personality*, vol, 72. No, 5. 877-908.
- Dubow, E. F., Pargament, K. I., Boxer, P. & Tarakeshwar, Nalini. (2000). Initial Investigation of Jewish Early Adolescents' Ethnic Identity, Stress, and Coping, *Journal of Early Adolescence*, Vol. 20 No. 4, 418-441.
- Granqvist, P., & Hagekull, B. (1999). Religiousness and perceived childhood attachment: Profiling socialized correspondence and emotional compensation. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 38, 254-273.
- Granqvist, P. (2002). Attachment and Religion: An integrative developmental framework: Comprehensive Summaries of Uppsala Dissertations from the Faculty of Social Sciences 116. 94 pp. Uppsala. ISBN 91-554-5255-8.
- Granqvist, P. (2005) Building a bridge between attachment and religious coping: tests of moderators and mediators. *Mental Health, Religion & Culture* March 2005; 8(1): 35-47.
- Hazan, C., & Shaver, P. (1986). Parental caregiving style Questionnaire. Unpublished questionnaire.
- Keister, J. A. (2010). Attachment style and religious coping strategies, University of La Verne, DAI-B 71/07, p., Jan, 161 pages; 3415690.
<http://gradworks.umi.com/cgi-bin/redirect?url=http://www.il.proquest.com>.
- king, P. E., & Roeser, R. W. (2009). The Role of Religion and Spirituality in Adolescents' Lives: Demographic Trends. pp 435-478.

- Kirkpatrick, L. A., & Shaver and P. R. (1990). Attachment theory and religion: Childhood attachments, religious beliefs and conversions. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 29, 315–334.
- Kirkpatrick, L.A. (1997). A longitudinal study of changes in religious belief and behaviour as function of individual differences in adult attachment style. *Journal for the Scientific Study of Religion*. 36:207-217.
- Kirkpatrick, L.A., Shillito, D.J., & Kellas, S.L. (1999). Loneliness, social support, and perceived relationships with God. *Journal of Social and Personal Relationships*. 16:513-522.
- Knafo, A. & Schwartz, S. H. (2004). Identity formation and parent–child value Congruence in adolescence. *British Journal of Developmental Psychology*, vol, 22.439–458.
- Mahoney, A., Paragment, K., Swank, A. M., & Swank, N. M. (2001). Religion and the Sanctification of Family Relationships, Bowling Green State University, Manuscript resubmitted to Review of Religious Research, as of September 10.
- Mikulincer, M., Shaver, Phillip, R., & Pereg, D. (2003). Attachment Theory and Affect Regulation: The Dynamics, Development, and Cognitive Consequences of Attachment-Related Strategies, Motivation and Emotion, Vol.27, No.2.
- Moor, Lori L. (2005). A Study of the Difference in Relationship Attribution and Religious Coping Across Levels of Attachment Style and Marital Functioning, A Dissertation to the Faculty of the School of Educational Ministries for the degree of Doctor of philosophy.
- Miner, M. & Ghobary Bonab, B. (2009). Attachment to God in Christian and Muslim Communities: Foundational for Human Flourishing? The Global Spiral, A Publication of Metanexus Institute. <http://www.metanexus.net/>.
- Olson, C. (2009). Differences in Spirituality A Comparison of Adult Degree Completion Students and Traditional-aged Students within Member Institutions of the Council for Christian Colleges & Universities, Presented at the Inaugural Meeting of the Council for Christian Colleges & Universities' Center for Research in Adult Learning. May 11 – 13.
- Pargament, K.I., Koeing, H.G., & Perez, L.M. (2000). The Many Methods of Religious Coping: Development and Initial Validation of the RCOPE, *Journal of clinical of psychology*, vol, 56. No.4. 619-543.
- Rogers, M. B. & Loewenthal, K. M. (2003). Religion, identity and mental health: Perceived relationships within a multi-dimensional framework, *Social Psychological Review*, 2003, Vol. 5 No.2 – pp.43-81.
- Schottenbauer, M. A., Dougan, B., Rodriguez, B. F., Arnkoff, D. B., Glass, C. R., & Holland, L. (2006). Attachment and affective resolution following a stressful event: General and religious coping as possible

- mediators. *Mental Health, Religion & Culture* December 2006; 9(5): 448-471.
- Shahidi, S., Shahabizadeh, F. & Mazaheri, (2010). Attachment to God and Perceived Childhood Attachment in an Iranian Sample: An Investigation of Granqvist's "Correspondence" and "Compensation" Hypotheses, *International Journal of Psychology*. Vol. 4, No. 1, Winter 2010, PP. 21-35.
- Shahabizadeh, F. & Ahadi, H. (2008). Relationship between childhood attachment quality, adult attachment and attachment to God with family functioning. 29th International Congress of Psychology. 20 – 25 July 2008, Berlin, Germany. (as oral). Abstract Book.
- Sizelove, D. (2007). An Investigation of Psychological Factors Associated with Religious Involvement, A Dissertation to the Auburn University degree of Doctor of philosophy.
- Templeton, J.L., & Eccles, J.S. (2005). *The Handbook Spiritual Development in Childhood and Adolescence, The Relationship Between Spiritual Development and Identity Processes*. Sage Publication, California.
- Tokar, D. M., Withrow, J. R., Hall, R. J., & Moradi, B. (2003). Psychological Separation, Attachment Security, Vocational Self-Concept Crystallization, and Career Indecision: A Structural Equation Analysis, *Journal of Counseling Psychology*, Vol.50, No.1, 77-102.
- Wadsworth L, R. (2007). Religion and THE Everyday Ritual of Home Life: A Comparison OF Higher and Lower Family Functioning Groups. Master of Science, Department of Marriage, Family, and Human Development; Brigham Young University.
- Ysseldyk, Renate L. (2009). Coping with Threats to Religious Identity: Implications for Psychological Outcomes, Social Action, and Political Consciousness, A Dissertation to the Carleton University, for the degree of Ph.D., 265 pages ; NR52080

یادداشت شناسه مؤلف

فاطمه شهابی زاده: استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند، خراسان جنوبی، ایران. (نویسنده مسؤول)

نشانی الکترونیکی: f_shahabizadeh@yahoo.com

سید عبدالمجید بحرینیان: دانشیار دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۱۰/۲۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۱/۲۸